

موانع ده گانه ای که جنگ بر علیه ایران را ناممکن می سازد

۸ مرداد ۱۳۸۷

نوشته پروفسور زکی شالوم

استاد دانشگاه بن گوریون

و تحلیلگر مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل

برگردان: احمد مزارعی

مقدمه مترجم:

آقای ایوان هابر تحلیلگر روزنامه پدیعت آهارانوت، در تاریخ ۹ جولای ۲۰۰۸ طی مقاله ای مینویسد: "ما هر ساعت اعلام می کنیم که می خواهیم به ایران حمله کنیم. و برنامه های خود را با آب و تاب شرح می دهیم. سپس در ادامه بحث تحلیلی خود سوال می کند که به مدت ۳۳ روز در پشت دیوار شهرک بنت الحبیل گرفتار شدیم و نتوانستیم جنبش مقاومت ملی لبنان را پس بزنیم، حال چگونه می خواهیم به ایران حمله ببریم و پیروز شویم. و در تاریخ ۲۶ جولای آقای افرایم هلیفی (هالوی) رئیس سابق موساد در مصاحبه با مجله تایم، در بخشی از مصاحبه خود می گوید، اگر اسرائیل به ایران حمله کند مقدمه ای برای نابودی اسرائیل و منطقه می باشد.

اینان صاحب نظران و تحلیلگران واقع بین اسرائیلی هستند ولی پخش و تبلیغ اخبار جنگ موجب بالا رفتن سرسام آور سهام بورس بین المللی شده و میلیونها دلار به جیب صاحبان موسسات بورس لندن و نیویورک می رود. برای روشن شدن این موضوع به مقاله ای نوشته آقای ویلیام اینگدال در همین سایت مراجعه نمایید. اما در اینجا به ترجمه مقاله دیگری از یکی از صاحب نظران اسرائیلی بنام پروفسور زاکان شالوم می پردازیم که دلایلی را مبنی بر عدم وقوع جنگ بر می شمارد. نمی توان انکار کرد که کشورهای امپریالیستی در صورت مهیا شدن شرایط، به جنگ دست می زنند اما خوشبختانه در جنگهای اخیرشان در عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین و سومالی با مقاومت جانانه ملت های ستم دیده روبرو شده و بسادگی به جنگ دیگری دست نخواهند زد.

موانع ده گانه ای که جنگ بر علیه ایران را ناممکن می سازد

- ۱- اینکه آقای جرج دبلیو بوش به پایان دوره ریاست جمهوری خود رسیده و اگر چه وی گفت که امکانات دست زدن به جنگ را دارد اما رئیس جمهور در پایان دوره ریاست جمهوری خود، برای دست زدن به جنگ شرایط مناسب را ندارد و عاقلانه نیست در حالیکه در آستانه ترک کاخ سفید است، به اتخاذ تصمیمات مهم و استراتژیک دست بزند. تصمیماتی که آینده اش برای کل جامعه آمریکا نامعلوم و از این نظر باید مسئله شروع جنگ از طرف وی را پایان یافته دید.
- ۲- عامل دوم، در صعود ستاره بخت باراک اوباما است که نشان دهنده اینست که افکار عمومی مردم آمریکا رغبت به جنگ ندارد و خواستار در پیش گرفتن سیاست های ملایمی نسبت به آنچه که بوش انجام داده، هستند. اوضاع چنین نشان می دهد که دست زدن به جنگ بر علیه ایران مخالفت سریع با آرا اکثریت مردم آمریکا است و بدون شک بوش به این ماجرا جویی دست نخواهد زد.
- ۳- اینکه آمریکایی ها همیشه ایران را موجب ناراحتی های روحی خود دانسته و اولین حمله ای که آنها برای آزادی گروگانها انجام دادند، با شکست روبرو شد که این خود مانعی برای حمله به ایران است. از این نظر دولت فعلی آمریکا می کوشد از حمله به ایران دوری گزیند و نمی خواهد در دوره پایان ریاست جمهوری شکستی بر شکست های قبلی خود بیافزاید.
- ۴- بر اساس اطلاعاتی که سازمانهای امنیتی آمریکا در مورد فعالیتهای انرژی هسته ای، مبنی بر اینکه این فعالیت ها نظامی نمی باشند، و تنظیم کنندگان آن گزارش، هنوز بر صحت گزارش تاکید دارند، باضافه آنچه که ممکنست نتایج بسیار خطرناکی از نوع آنچه که در عراق بوجود آمد، مانع جدی ایجاد می کند که فعالیت نظامی بر علیه ایران انجام نگیرد. بر این اساس آقای رئیس جمهور با موانع برشمرده دست به ماجراجویی تازه ای نخواهد زد.

- ۵- دست زدن به این ماجراجویی بنا بر دلایل مختلف موفقیت آمیز نخواهد بود زیرا ایرانیان با تجربیاتی که در سالهای گذشته بدست آورده اند، برنامه های پیشگیرانه متعددی را برای به شکست کشاندن هر گونه عملیاتی بر علیه خود اتخاذ کرده اند. آنان بر عملیات دفاعی و مخفی نگاهداشتن مراکز هسته ای خود برنامه های متعددی را بکار گرفته اند و از همه مهمتر نامعلوم بودن نتایج حاصله از حمله به ایران است.
- ۶- مسئله بعدی اینست که اگر آمریکا به «عملیات نظامی با اسرائیل و یا بدون اسرائیل» بر علیه ایران دست بزند، بدون شک این حمله از طرف ایران پاسخ بسیار کوبنده ای بر علیه اسرائیل در بر خواهد داشت و این پاسخ حدود و ثغورش مشخص نیست ولی بدون شک موجب مشکلات بسیار زیادی برای کشور اسرائیل خواهد شد که جنگ را گسترده تر خواهد نمود، تا جائیکه همه کشورهای خاورمیانه وارد این جنگ خواهند شد. از این نظر بسیار بعید بنظر می رسد که رئیس جمهور آمریکا خود را وارد این ورطه هولناک نماید، در حالیکه در باتلاق عراق همچنان گرفتار است.
- ۷- اینکه این جنگ ممکنست شروع تازه ای برای یکدوره طولانی از جنگ و خونریزی مابین کشورهای اسلامی و کشورهای غربی شود که تاکنون نظیر آن در تاریخ نبوده است. حتی کسانی که خود را در صف ایران و طرفدار ایران نمی دانند حمله به ایران را جنگ آمریکا بر علیه یک دولت اسلامی بر نمی تابند و موجب آن می شود که حمله بر علیه اهداف آمریکایی حتی در سرزمین آمریکا گسترش یابد.
- ۸- حمله به ایران از طرف آمریکا موجب بالا رفتن نجومی قیمت نفت در سراسر جهان خواهد شد که تاثیر بسیار گسترده و منفی بر اقتصاد جهانی خواهد داشت و با تاکید بر اینکه اگر چنین جنگی رخ دهد، بحرانهای اقتصادی جهانی آنچنانی بوجود خواهد آمد که عواقب بسیار خطرناکی در بر دارد.
- ۹- علیرغم اینکه توافق جهانی مبنی بر اینکه ایران نمی بایستی به قدرت اتمی در جهان تبدیل شود، اما رئیس جمهور آمریکا باید بداند که همه این کشورها مخالف حمله نظامی به ایران هستند. و بوش باید این افکار عمومی جهانی را در نظر گیرد. از این نظر عاقلانه نیست که رئیس جمهور آمریکا با در نظر گرفتن همه این عوامل خطرناک دست به حمله نظامی علیه ایران بزند.
- ۱۰- چیزی که مانع حمله نظامی آمریکا به ایران می شود اینست که سازمان ملل تصمیمات سیاسی و اقتصادی شدیدی بر علیه ایران اتخاذ کرده که موجب زیر فشار قرار گرفتن اقتصاد ایران و آیت الله ها در این کشور است. همچنین در حال حاضر ارتباطات غیر مستقیمی بین ایرانی ها و آمریکائیان در جریان است و این نشاندهنده آنست که مذاکرات دیپلماتیک همچنان ادامه دارد. با این حساب و با ادامه یافتن مذاکرات دیپلماتیک جایی برای شروع جنگ نیست.
- در انتها باید گفت که مسئولین دولت اسرائیل در مورد برخورد با ایران در تنگنای سختی قرار گرفته اند که از سویی به مسیری حرکت می کنند که خود باید به تنهایی تصمیم بگیرند و این تصمیم شان می بایستی در ماههای آینده و قبل از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری بوش باشد، یا در غیر اینصورت اگر دست به چنین عملی نزنند، اعتبار خود را زیر سوال برده اند.
- انتظار می رود که رهبران اسرائیل در چنین شرایطی طوری عمل نمایند که به کمترین آسیب ها دچار شوند.